



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

مجموعه مقالات اولین همایش ملی آب، فرهنگ و پژوهش‌های علوم انسانی

(پازدهم و دوازدهم شهریورماه سال ۱۳۹۹)

به کوشش محمدرضا عزیزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

# مجموعه مقالات اولین همایش ملی آب، فرهنگ و پژوهش های

(یازدهم و دوازدهم شهریورماه سال ۱۳۹۹)

به کوشش محمد رضا عزیزی

سرشناسه: همایش ملی آب، فرهنگ و پژوهش های علوم انسانی (اولین: ۱۳۹۹: بیرجند)	<b>TD</b>
	<b>۳۰۴</b>
عنوان و نام پدیدآور: کتاب الکترونیکی مجموعه مقاله های اولین همایش ملی آب، فرهنگ و پژوهش- های علوم انسانی ۱۱ و ۱۲ شهریورماه ۱۳۹۹ / گردآوری محمدرضا عزیزی- بیرجند: دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۹.	<b>۱۳۹۹</b>
	<b>/ک۲</b>
۱۱۳۰ ص: مصور، جدول، نمودار.	
۱. آب، منابع- ایران- تحقیق- کنگره ها. ۲. آب، منابع- ایران- تحقیق- مقاله ها و خطابه ها. الف. عزیزی، محمدرضا، گردآورنده ب. عنوان.	
کتابخانه مرکزی و مرکز نشر دانشگاه بیرجند	<b>۹۹-۱۰۲۱</b>
حقوق این اثر متعلق به برگزارکنندگان همایش است.	

به کوشش: دکتر محمدرضا عزیزی

دبیرخانه

جناب آقای جعفر عباسی، مسؤول دبیرخانه همایش.

سرکار خانم ملیحه سادات حسینی، کارشناس ارشد دبیرخانه همایش.

سرکار خانم سمیرا زنگویی، مسؤول سامانه همایش.

ویراستار: سرکار خانم طاهره شیخی

ناشر: دانشگاه بیرجند

چاپ اول: ۱۳۹۹

### حامیان همایش



## بررسی جلوه‌های آب در "هنرمحیط‌زیستی"

(مورد مطالعه: ادبیات منظوم معاصر فارسی)

امیرعلی برومند

دانشجو کارشناسی علوم و مهندسی محیط‌زیست، دانشگاه فردوسی مشهد  
amirali.boroumand@um.ac.ir

کمال‌الدین ناصری

دانشیار گروه مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه فردوسی مشهد  
Klnaseri@um.ac.ir

### چکیده

انسان و طبیعت همواره در ارتباطی تنگاتنگ بوده‌اند و از هم تأثیر پذیرفته‌اند. انسان معاصر پس از دستیابی به تکنولوژی‌های مغرب فراوان و بی‌توجهی به اصول پایداری<sup>۳</sup>، طبیعت را بیش از توان اکولوژیک<sup>۴</sup> آن مورد بهره‌برداری قرارداد و محیط‌زیست را آلوده ساخت. آب که همواره عنصری تمدن‌ساز بوده است، از این تهدیدها مصون نماند؛ به طوری که تنها در دهه‌های اخیر رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌های بسیاری خشک شدند و به تبع آن ده‌ها گونه جانوری و گیاهی برای همیشه منقرض گشتند. درد متعالی هنرمندان باعث شد تا تلاشی هدفمند در جهت تصویرسازی، زیبایی‌آفرینی و مضمون‌آفرینی در راستای تقویت اصول اخلاقی محیط‌زیستی و آموزش محیط‌زیستی در مخاطبان انجام‌دهند. در مقاله حاضر پس از بازتعریف اجمالی "هنرمحیط‌زیستی"<sup>۵</sup>، ادبیات به عنوان شاخه مهمی از آن تبیین شد. در راستای فهم دقیق‌تر علل توجه هنرمند معاصر به پدیده آب، ابتدا فرهنگ ایرانی-اسلامی در هردو بعد تأثیرگذار کهن‌الگوهای<sup>۶</sup> ملی و اندیشه‌های دینی بررسی و سپس نگاه ادبیات منظوم کلاسیک به پدیده آب به عنوان مقدمه تحصیل رویکرد معاصر تشریح گردید. در ادامه پس از مرور آثار هنرمندان معاصر، بیست و یک نمونه اثر شاخص انتخاب و بررسی شد. همگی این آثار در تشریح دیدگاه "هنرمحیط‌زیستی" جهت کاربست مفاهیم هنر در خدمت حفاظت از عنصر حیات‌بخش آب با موضوعاتی از قبیل "نگاه صرفاً زیبایی‌شناسانه به آب"، "اهمیت آب برای بقای حیات وحش"، "آب به عنوان نماد حیات"، "تشریح تجربه آب به عنوان تجربه طبیعت"، "آب به عنوان شوینده چهره طبیعت"، "هشدار در جهت آلوده نساختن گوهر آب"، "تغییر رژیم‌های هیدرولوژیک و توسعه ناپایدار"، "خشکسالی و بحران کم‌آبی"، "مقایسه وضعیت موجود با گذشته"، "خشک‌شدن رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها" و "مطالبه آموزش محیط‌زیستی در راستای حفاظت از آب" را منعکس می‌ساختند.

واژگان کلیدی: هنرمحیط‌زیستی، هنر سبز، هنراکولوژیک، شعر معاصر، ادبیات فارسی.

<sup>3</sup> Sustainability

<sup>4</sup> Carrying capacity

<sup>5</sup> Environmental art which is also known as "Ecological art" or "Green art"

<sup>6</sup> Archetypes

## ۱- مقدمه

پس از انقلاب صنعتی تلاش برای اعمال تغییرات و بهره‌برداری گسترده‌تر از منابع طبیعی همچون منابع آبی به طرز مشهودی افزایش پیدا کرد. بخشی از این تحول ناشی از پیشرفت انسان در دستیابی به تکنولوژی و به تبع آن افزایش تصاعدی جمعیت و نیاز روزافزون به منابع طبیعی از جمله آب جهت مصارف شرب، صنعتی و کشاورزی بود. در دوران معاصر این بهره‌برداری از منابع آبی، ناپایدار و ناسازگار با توان اکولوژیک زیست‌بوم‌های جهانی بوده است؛ بنابراین هزینه‌های ناشی از سوء مدیریت و سوء برنامه‌ریزی در بهره‌برداری و توان‌سنجی منابع آبی زمین باعث افزایش ردپای اکولوژیک بشر و خسارات‌های جبران‌ناپذیر بر آن شده‌است (کریشنارائو، ۱۳۹۴، ۲۱) (میلر، ۱۳۹۲، ۴۸). انسانی که در سده‌های گذشته اغلب در کنار عرصه‌های آبی همچون رودها سکنی می‌گزید، آب را مقدس می‌پنداشت، در آن غسل می‌کرد، از آن می‌نوشتید، به دام‌هایش می‌نوشتند و با آن کشاورزی می‌کرد (ویسی، ۱۳۸۵، ۷۳ و ۷۴)، در دوران معاصر کوشید تا جاه‌طلبانه و بدون در نظر گرفتن تبعات بوم‌شناختی و دیدگاهی آینده‌نگر و همه‌جانبه، به قیمت نابودی طبیعت آب‌ها را بی‌الاید و به محل‌های مورد نیاز جهت فعالیت‌های توسعه‌طلبانه‌اش انتقال دهد (بوتکین و کلو، ۱۳۹۴، ۲۹۱ و ۲۹۲). این تلاش در بسیاری از موارد باعث آسیب‌های محیط‌زیستی و تبعات اقلیمی جبران‌ناپذیری همچون بیابان‌زایی، خشک‌شدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، فرونشست زمین، سیل، خشک‌سالی، تغییر اقلیم و... شد.

انسان معاصر با رویکردی "انسان محور" عالم و همه چیز آن را در خدمت خود تصور می‌کند و حتی تخریب محیط‌زیست را نیز زمانی حائز اهمیت می‌پندارد که منافع او را به خطر بی‌اندازد. اما بسیاری از هنرمندان دغدغه‌مند حوزه محیط‌زیست به‌دور از منفعت‌طلبی شخصی، برای موجودات زنده و اکوسیستم‌ها جایگاه ارزشی مستقل<sup>۷</sup> قائلند و انسان را جزئی از اکوسیستم‌ها و نه صاحب و محور آن‌ها می‌دانند، با دیدگاهی "زیست بوم محور"، (ساتن، ۱۳۹۷، ۸۶؛ ملکیان و همایی، ۱۳۹۱، ۳۱) محیط‌زیست را در مقام مادری که از آن زاده شده‌اند، معلمی که آن‌ها را تربیت می‌کند و پدری که در آغوشش جان خواهند سپردند، می‌پندارند.

محیط‌زیست به عنوان یک کل و آب به عنوان جزء مهمی از آن، ایده‌ای کانونی در تولیدات فکری و هنری انسان‌ها در فرهنگ‌های ملل گوناگون در طول تاریخ بشری، خصوصاً در دوران معاصر بارخداد مشکلات محیط‌زیستی بوده است.

## ۲- بحث و بررسی

## ۲.۱- "هنرمحیط زیستی"

بشر در طول تاریخ همواره کوشیده تا آرمان‌ها، دغدغه‌ها، نیازها، باورها، احساسات و تفکرات خود را در قالب‌های گوناگون بیان کند و جاودانه سازد. این تلاش، تلاشی فرازمانی و فرامکانی بوده است، چنان‌که در آثار غار "آلتامیرا" در اسپانیا در ده الی پانزده هزار سال قبل از میلاد مسیح و یا در آثار هنری باقی‌مانده از قبایل "بوشمن" در رودزیای جنوبی و آفریقای جنوب‌غربی تلاشی آگاهانه در جهت نمایش مسائل و دغدغه‌های انسان باستانی همچون شکار، مختصات و ویژگی‌های طبیعت نقش بندی شده‌است (نامی، ۱۳۹۶، ۱۳۹، ۱۳۷). اثر هنری، کنش هنرمند نسبت به پدیده‌های محیط‌زیست و یا درونیاتش است؛ که در هر دو صورت الهام از محیط‌زیست در آن انکارناپذیر است. هنرمند پس از مواجه با هر پدیده‌ای (مرحله شعور)، با تفکر می‌تواند به چیستی آن پی‌برد، با احساس دلپذیر بودن یا نبودن آن را حس کند، با مکاشفه به مبدأ و مقصد آن راه یابد و پس از طی این مراحل با خلاقیت، تخیل، تکنیک‌ها و ابزارهای موجود در جهت خلق اثر هنری برآید (یونگ، ۱۳۸۶، ۸۱). هنرمند با خلق این آثار ضمن گزارش مشاهدات و تجربیات خود از محیط درصدد ترسیم ایده‌آل‌ها و آمال خود در قالب آثار هنری، مهم‌ترین دغدغه‌ها، آرزوها و احساسات آن دوره‌ی بشر است (هنفلیتگ، ۱۳۹۷). مشکلات محیط‌زیستی به عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های انسان معاصر،

<sup>۷</sup> ذاتی

واکنش هنرمندان را نسبت به این مسئله برانگیخته است. هم‌چنین بنیان‌های این دغدغه را می‌توان در کهن‌الگوهای ذهن هنرمند معاصر به عنوان یک انسان فکور و کنشگر ردیابی کرد، الگوهایی که سنگ‌بنای تفکر جوامع بشری و بیانگر حقایق جاودانگی او در طول زمان بوده‌اند.

علوم و مهندسی محیط‌زیست علمی میان رشته‌ای و کاربردی است که با توجه به نیاز انسان معاصر به شکل منسجم، مستقل و آکادمیک در آمده (بوتکین و کلر، ۱۳۹۴، ۱۸)؛ بنابراین خیلی دور از ذهن نمی‌نماید که پژوهش‌های این حوزه و بررسی روابط سایر علوم با آن پنجره‌هایی جدید از روابط نظام هستی را به روی ما بگشاید. نگاه تیزبین متخصصین این حوزه می‌تواند ارتباطاتی نظیر محیط‌زیست و هنر را دریابد و آن را در قالب مفهومی به نام "هنر محیط‌زیستی" ارائه دهد. هم‌چنین هنرمندان در این عرصه از پیشگامان دغدغه‌مندی بوده‌اند که ضمن انعکاس این مسائل در آثارشان راهکارهای متنوعی نیز ارائه داده‌اند. در واقع جریان کنش این هنرمندان همراه با سایر جریان‌های محیط‌زیستی، موجی از آفرینش‌های هنری را رقم زده است. بر این اساس در مقاله حاضر به بررسی دیدگاه "هنر محیط‌زیستی" جهت کاربست مفاهیم هنر در خدمت ارائه مفاهیم حفاظت محیط‌زیست به مخاطبان در شاخه هنرهای ادبی، در بخش منظوم در دامنه آثار معاصر پرداخته شده است.

## ۲.۲- هنر محیط‌زیستی و آموزش محیط‌زیست

هنر محیط‌زیستی علاوه بر بیدار کردن وجدان انسان‌ها و گوشزد کردن مسئولیت‌هایشان، هنری ذاتاً تحول‌خواه است که می‌تواند تصویری آگاهی‌بخش از چگونگی مقابله با مشکلات محیط‌زیستی ارائه دهد (Kagan, 2014, 2). آثار هنری خلق شده با این دیدگاه، رویکردی کاملاً مسئله محور داشته‌اند تا آن جا که می‌توان مهم‌ترین رسالت آن‌ها را آموزش محیط‌زیستی دانست (simon, 2006, 143). هم‌چنین پیام و مضامین فرهنگی، تربیتی و آموزشی اگر با زبان هنر و از طریق هنرمند متعهد منتقل شوند، تاثیرگذارتر خواهند بود. برخی کارکردهای هنر محیط‌زیستی "تعیین و اصلاح الگوهای رفتاری"، "انسجام بخشی به نظام‌های فکری"، "تبیین، طبقه‌بندی و معنابخشی به پدیده‌ها"، "شفاف‌سازی رابطه فرد با خویشتن خویش، سایر شهروندان و محیط‌زیست (Song, 2009, 4)", "ارزش گذاری و هویت بخشی"، "هنجار سازی"، "نماد و اسطوره سازی"، "جامعه پذیری"، "ایجاد بستر نوآوری و خلاقیت" می‌باشد (کریمی، ۱۳۹۴، ۹۷ و ۹۸). بنابراین می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب از این هنر اجتماعی-اکولوژیکی که ذاتاً پایبند به اخلاق محیط‌زیستی است (Kagan, 2014, 1)، برای آموزش همگانی محیط‌زیست بهره برد (Song, 2009, 4).

## ۳.۲- "هنر محیط‌زیستی" در شاخه ادبیات

هنر محیط‌زیستی طیف وسیعی از هنرهای ادبی، تجسمی، آوایی، نمایشی و معماری را دربرمی‌گیرد و هم‌چون روحی در کالبد بسیاری از آثار هنری معاصر حضور دارد و درد انسان مدرن و پست مدرن را فریاد می‌زند. منشا این دغدغه‌مندی و تعهد را شاید بتوان در رسالت پیامبرگونه هنرمندان نسبت به هستی و انسان‌ها جستجو کرد. رابطه هنرمندان خصوصاً شاعران با کائنات و طبیعت بسیار قوی است (یزدان منش و گیلانی، ۱۳۹۷، ۲۵۹). این پیوند و هم‌بستگی به ایجاد نوعی حس تعلق و تعهد می‌انجامد. تاکنون شاعران و نویسندگان بسیاری از دیرباز با بیانی هنرمندانه به توصیف طبیعت و زیست‌بوم خود پرداخته‌اند؛ به‌عنوان مثال با بروز مشکلات محیط‌زیستی و صنعتی شدن جامعه ایران، شاعرانی چون سهراب سپهری (فتوحی و پارساپور، ۱۳۹۳)، نیما یوشیج و فروغ فرخزاد با نگاه و رویکردی جدید مفاهیم محیط‌زیستی را در اشعارشان منعکس کردند (علیزاده خیاط و باغی نژاد، ۱۳۸۹)؛ محمدباقر کلاهی نیز با اشاره به بحران مصرف‌گرایی و از بین رفتن خردفرهنگ‌ها، رسالت هنر را نام بردن ارزش‌ها و احساسات کهن و به عبارت دیگر بازگرداندن انسان به خویشتن خویش در مقابل صنعتی‌شدن می‌داند (کلاهی، ۱۳۷۳، ۱۱ و ۱۲). در میان اساتید دانشگاه و نویسندگان نیز می‌توان رد پای این جنس دغدغه‌های محیط‌زیستی را دید به عنوان مثال استاد دکتر یاحقی



در نشریه ادبی "پاز" به موضوعاتی همچون افزایش نامتوازن جمعیت جهانی و پیامدهای آن، حقوق محیطزیست، بحران زباله و تخریب جنگل‌ها با زبانی ادبی پرداخته است (یاحق، ۱۳۷۲، ۵۸).

#### ۴.۲- بررسی فرهنگ ایرانی اسلامی به عنوان بستر اندیشه‌های هنرمند معاصر در توجه به آب

هنر برون‌داد فرهنگ است و فهم و تحلیل آثار هنری بدون در نظر گرفتن بستر فرهنگی رشد و تربیت هنرمند امری ناممکن است. هنرمندان ایرانی همواره تحت تاثیر باورهای ملی و دینی خود دست به آفرینش‌های هنری زده‌اند. شناسایی این عوامل به عنوان ریشه‌های معرفتی خلق آثار هنری بسیار حائز اهمیت است.

#### ۴.۲-۱- تاثیر پذیری از کهن‌الگوهای ملی در توجه به آب

در باورهای کهن ایرانیان آب همواره مظهر پاکی و دارای جایگاهی احترام‌آمیزی بوده است (ریسمانچیان و حیدری، ۱۳۸۵، ۴). این جایگاه رفیع، زیانزد ملل گوناگون بوده است تا آن‌جا که مورخان یونانی ستایش آب را به ایرانیان نسبت داده‌اند (قهرمانی، ۱۳۸۸، ۲). ایرانیان باستان ایزدی را نگهبان آب می‌پنداشتند و روز یازدهم اسفند را روز خلقت این مایه حیات می‌دانستند.

ابوریحان در آثار الباقیه می‌نویسد که:

«روز یازدهم (اسفند) روز خور است که اول گهنبار دوم باشد و آخر آن روز دبیمهر است که مدیوشم گاه نام دارد و در این روز بود که خداوند آب را آفرید.»

علاوه بر آن در اندیشه‌های کهن ایرانی دو فرشته ایم نیات و آناهیتا یا ناهید همواره از آب مراقبت می‌کردند (بارانی و خانی‌سومار، ۱۳۹۲، ۱۰). در ذهن ایرانیان اسطوره آناهیتا، خدایانوی آب، با نام کامل اردویسوراناهایتا به معنی رود نیرومند پاک، مفاهیمی چون آب، باران، زایش و فراوانی را تداعی می‌کرده است و باور داشته اند که وی سرچشمه همه آب‌های روی زمین است (یاحق، ۱۳۸۸، ۸۱۴). هم‌چنین ایرانیان آریایی معتقد بودند شخصیتی به نام تیشتر وجود دارد که نگهبان آناهیتا است و با باران ارتباط دارد. وی نیکوکار است و در نبرد گیهای با پوشه (دیو خشکسالی) که تباه‌کننده زندگی است، درگیر می‌شود<sup>۸</sup>. و از این منظر او را نیز می‌توان منشأ برکت و باروری دانست (بارانی و خانی‌سومار، ۱۳۹۲، ۱۰). در اندیشه ایرانیان باستان نبرد میان اسطوره‌ها، ایزدان یا نگهبانان آب با اهریمنان و دشمنان آب نبردی همیشگی به مثابه نبرد دوگانه‌های نیکی و بدی و حیات و مرگ بوده است. آنان برای بزرگداشت و تقدیس آب مراسم‌هایی رسمی برپا می‌کردند و قربانی و فدییه می‌دادند (یاحق، ۱۳۷۵، ۲۹) و چنان آب جاری را مقدس می‌شمردند که به هیچ وجه آن را نمی‌آلودند؛ حتی در هنگامی که برای بزرگداشت آب نیز مراسم‌ها و آیین‌های ویژه‌ای برپا می‌داشتند به منظور پیشگیری از آلوده شدن آب گودالی کنار آب رود یا دریا می‌کنند و قربانی را در آن جا خون می‌ریختند تا خونس آب را آلوده نکند.

درهم تنیدگی این باورهای کهن چنان است که تا امروز نیز نام هشتمین ماه تقویم ایرانیان به نام فرشته آب یعنی آبان است<sup>۹</sup> (ویسی، ۱۳۸۵، ۷۲). و همچنان به رسم ایرانیان کهن، میهن و زادگاه را «آب و خاک» می‌نامیم.

#### ۴.۲-۲- توجه به آب در اسلام و تأثیر آن بر هنرمند معاصر

<sup>۸</sup> یشت هشتم از یشت‌های اوستا مختص این ایزد است.

<sup>۹</sup> براساس سنت ایرانیان باستان هشتمین ماه سال، و دهمین روز هر ماه، به نام عنصر حیاتی و مقدس آب، «آبان» نام گذاری شده است. «ان» در انتهای این واژه نه نشانه نسبت، که نشانه جمع است و آبان به مفهوم آب‌ها می‌باشد.



تأثیرپذیری بسیاری از هنرمندان ایرانی از مفاهیم و مبانی دینی انکارناپذیر است، به طوری که این عقاید بخش قبل توجهی از منظومه فکری و جهان بینی آنان را شکل داده است؛ بر همین اساس جهت ارائه تحلیلی عمیق تر و دقیق تر از آثار و آفرینش های هنری این هنرمندان باید به سراغ این مبانی فکری رفت.

همچنان که در کتب مقدس پیشین به اهمیت آب اشاره شده است<sup>۱۱</sup>، قرآن کریم نیز با رویکردی هنری با بهره گیری از عناصر تصویرسازی هنری همچون تخیل حسی، هماهنگی هنری و توصیف، تصویری ملموس از آب به عنوان برکت و رزق الهی<sup>۱۲</sup> ارائه می دهد (عرفت پور و محسنی، ۱۳۹۶، ۹۳، ۱۰۹). در این تصویر خداوند پدیدآورنده و نازل کننده آب آشامیدنی گوارا و سیراب کننده انسان ها، حیوانات و گیاهان<sup>۱۳</sup> و جاری کننده چشمه ساران<sup>۱۴</sup> معرفی شده است (محمدی و یزدان پناه، ۱۳۹۴، ۱۴). در کلام وحی، همواره انسان به تفکر در نظام هستی دعوت شده است و از او خواسته می شود برای شناخت بهتر خود، هستی و پروردگار عالم در آیات الهی همچون آب تفکر کند؛ همان طور که در آیات ۶۸ تا ۷۰ سوره واقعه می فرماید: «آیا به آبی که می نوشید اندیشیده اید؟ آیا شما آن را از ابر نازل کرده اید یا ما آن را نازل می کنیم؟ هر گاه بخواهیم این آب گوارا را تلخ و شور قرار می دهیم پس چرا شکر نمی کنید؟» هم چنین براساس آیات ۳۰ سوره انبیا<sup>۱۵</sup> و ۱۲ سوره نور<sup>۱۶</sup> ریشه زندگی، هم در منشا و پیدایش و هم در صحنه هستی و تداوم حیات، همگی نشأت گرفته از آب است و براساس آیه ۵۴ سوره فرقان<sup>۱۷</sup> انسان نیز از آب خلق شده است. علاوه بر آن بنا بر آیه ۱۱ سوره زخرف<sup>۱۸</sup> منابع آب ثابت (معین) است و هم چنین براساس آیه ۳۱ سوره اسراف امری مذموم است؛ لذا صرفه جویی و مدیریت آب به عنوان گوهی زندگی بخش و هدیه ای الهی دستوری موکد است.

فرهنگ اسلامی به آب توجه ویژه داشته است به طوری که برای نوشتن آن، آداب خاصی توصیه کرده است؛ به عنوان مثال بردن نام خدا قبل از نوشیدن و سپاسگزاری از پروردگار پس از آن<sup>۱۹</sup> (کنز العمال، ج ۱۵ ص ۲۸۷)، جرعه جرعه نوشیدن<sup>۲۰</sup> (کنز العمال، ج ۱۵ ص ۲۸۷) و نوشیدن آب تنها در هنگام تشنگی (وسایل الشیعه ج ۲۵ ص ۲۳۸)<sup>۲۱</sup>. همچنین به عقیده شیعیان، آب و نمک مهریه حضرت فاطمه زهرا (س) بوده است. هم چنین نذر آب در میان شیعیان بسیار رایج است و سیراب کردن تشنگان امری پسندیده؛ زیرا این کار یادآور قیام عدالت خواهانه امام حسین (ع) و یارانشان و شهادت توامان با تشنگی آن بزرگواران است.

هنرمند ایرانی مسلمان که میراث دار این فرهنگ غنی ملی و فرهنگ نورانی و وحیانی دینی است، با تأثیرپذیری از این اندیشه ها، پرداختن به مسئله آب، چه از بعد آیه ای از آیات الهی، چه از بعد کوششی ارزشمند در جهت حفاظت از نعمتی سفارش شده، را وظیفه ای اخلاقی و تکلیفی دینی تلقی می کند.

<sup>۱۱</sup> به عنوان مثال به این نمونه از تورات اشاره کرد که می فرماید: "آب که تسبیح گوی ذات خداوندی است، نخست همه افلاک را فرا گرفته بود و خدای بزرگ آسمان را ساخت تا آب های زیر فلک و زیر آن را از یکدیگر جدا کند." (کتاب مقدس عهد عتیق، سفر پیدایش باب ۱، آیه ۷)

<sup>۱۲</sup> واژه مبارک در آیه «و نزلنا من السماء ماء مبارکاً فأنبتنا به جنات و حب الحصيد» به آب به عنوان برکت و رزق الهی اشاره دارد.

<sup>۱۳</sup> وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَنِّ يَدَيَّ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا - لِنُغْثِيَ بِهِ بَلَدَهُ مُنْتِنًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا

<sup>۱۴</sup> «وجعلنا فيها رواسي شامخات و اسقيناكم ماء فراتا»

<sup>۱۵</sup> نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جِبَاتٍ وَحَبَّ الْخَمِيرِ

<sup>۱۶</sup> أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زُرْعًا مُخْتَلِفًا ...

<sup>۱۷</sup> وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ

<sup>۱۸</sup> وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ

<sup>۱۹</sup> وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا

<sup>۲۰</sup> وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلَدَهُ مِثْنًا كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ

<sup>۲۱</sup> كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا

<sup>۲۲</sup> رسول اکرم (ص) فرمودند: «در هر بار نوشیدن (آب) بسم الله بگوئید و چون سیراب شدید الحمد لله بگوئید.»

<sup>۲۳</sup> رسول اکرم (ص) فرمودند: «هنگامی که یکی از شما آب بنوشد با یک نفس آب ننوشد.»

<sup>۲۴</sup> امام صادق (ع) فرمودند: «تا اشتها ندارید آب ننوشید و چون اشتها به نوشیدن آب داشتید آب را کم بنوشید.»

## ۵.۲- بررسی نگاه ادبیات منظوم کلاسیک به آب به عنوان مقدمه تحصیل رویکرد معاصر

قطعاً شعرای معاصر با مطالعه و دریافت مفاهیم آثار و اندیشه‌های نویسندگان و شعرای پیشین دست به آفرینش‌های ادبی تازه زده‌اند، از این وجه مروری اجمالی بر رویکرد و نگاه ادبیات کلاسیک به آب باعث می‌گردد تا رویکرد معاصر بهتر درک و تحلیل گردد. در شاهنامه فردوسی با توجه به ارزش آب و گریز از آلودگی در فرهنگ ایرانی و سفارش به پاکی تن و جلوگیری از فرو رفتن مردمان در آب های جاری، جمشید فرمان می‌دهد که دیوان حمام و گرمابه را بنا کنند:

به سنگ و به گچ، دیو دیوار کرد

نخست از برش هندسی کار کرد

چو گرمابه و کاخ های بلند

چو ایوان که باشد پناه از گزند(شاهنامه)

در منطق الطیر عطار، آب نماد پاکی و حیات است زیرا "بط" که طالب آب است، در جستجوی طهارت و پاکی ظاهری است و "طوطی" نیز که آب خضر را می‌جوید، حیات جاودانی را طلب می‌کند (پارساپور، ۱۳۹۰، ۱۰). شاعران خوش ذوق فارسی در سده‌های گذشته همواره آب را نماد حرکت، پویایی، زیبایی، قدرت الهی، حرکت، زندگی بخشی می‌دانستند و طبیعت را مدخلی به وادی کسب معرفت نسبت به خداوند و جهان‌شناسی می‌دانستند. بزرگانی همچون حافظ، سعدی و مولانا بیشتر بر بهره‌گیری از آب به عنوان نمادی برای معارف الهی، علم لدنی و سخن پیر<sup>۲۴</sup> استفاده می‌کردند و هرچند مولانا در ۵۲۴ بیت از ابیات غزلیات خویش به آب اشاره دارد و در بسیاری از این ابیات با استفاده از مفهوم آب حیات داستان خضر نبی (ع) مقاصد موردنظر خود را بیان کرده است (دزفولیان و رشیدی، ۱۳۹۲، ۷۷ و ۷۸).

## ۶.۲- بررسی جلوه‌های آب در ادبیات منظوم معاصر فارسی

هنرمندان شاعر معاصر بابر خورداری از میراث فرهنگی ایرانی اسلامی و هم‌چنین آثار هنرمندان کلاسیک مشاهده‌گر بحران‌های مختلف کشور در حوزه آب بوده‌اند و از این مشکلات متأثر می‌شدند؛ بنابراین ردپای آب و چالش‌های این حوزه در آثارشان پررنگ گشته است. در بعضی آثار (نمونه‌های ۱، ۲ و ۳) توجه هنرمندان صرفاً معطوف به ابعاد زیباشناسانه وجودی «بارش باران» و «جریان آب در چشمه‌ساران و رودها» (نگاه صرفاً) زیبایی شناسانه به این پدیده‌ها) بوده است.

نمونه (۱) معنی آب، عمیق است و صریح

آب ، یعنی وسعت

آب یعنی پاکی، یعنی عشق

روشنی، سرشاری، بیداری

بیرنگی، زمزمه، جنبش

طوفان، طغیان

آب ، یعنی هستی

من دلم می‌خواهد

مثل نیلوفر آبی باشم

... (من دلم می‌خواهد، عمران صلاحی)

<sup>24</sup> آب حیات آمد سخن، کاید ز علم من لدن  
جان را ازو خالی مکن، تا تر دهد اعمالها  
آب حیات او ببین، هیچ مترس از اجل  
در تو در رضای او، هیچ ملرز از قضا

نمونه ۲) باز باران،  
با ترانه،  
با گهرهای فراوان  
می خورد بر بام خانه... (باران، مجدالدین میرفخرائی «گلچین گیلانی»)  
... سنگها از آب جسته،  
از خزه پوشیده تن را؛  
بس وزغ آنجا نشسته،  
دم به دم در شور و غوغا... (همان)  
... بس گوارا بود باران.  
به! چه زیبا بود باران.  
می شنیدم اندر این گوهرفشانی  
رازهای جاودانی، پندهای آسمانی:  
« بشنو از من کودک من!  
پیش چشم مرد فردا،  
زندگانی... خواه تیره، خواه روشن...  
هست زیبا، هست زیبا، هست زیبا... (همان)  
نمونه ۳) ... لحظه‌ای چند بر این آب نظر کن  
آب، آئینه عشق گذران است... (کوچه، فریدون مشیری، ۱۳۹۶، ۹۲)  
در بعضی از آثار (نمونه ۴) به اهمیت آب برای بقای حیات و حش اشاره شده است.  
نمونه ۴) و، در پسین هر عطش گرم  
بر آب سرد دورترین آبشارها  
آغوش می فشارد... (شعرگوزن، یدالله مفتون امینی)  
در بعضی آثار (نمونه ۵) از آب به عنوان نماد حیات یاد شده است و در بعضی دیگر از نمونه‌ها (نمونه‌های ۶، ۷ و ۸)،  
هنرمند شاعر معاصر با رویکردی تجربه‌محور سعی در بازتجربه پدیده آب به عنوان بخشی از محیط زیست داشته است و  
در اشعار خود این تجربیات را منعکس ساخته است.  
نمونه ۵) بادبادک‌ها، به هوا خواهم برد  
گلدان‌ها، آب خواهم داد. (و پیامی در راه، سهراب سپهری، ۱۳۸۹، ۲۹۷)  
نمونه ۶) ... و لحن آب و زمین را چه خوب می‌فهمید... (دوست، سپهری، ۱۳۸۹، ۳۴۷)  
نمونه ۷) تن برهنه من روح آب را دریافت  
میان موج و دل من دریچه‌ای باشد (از موج تا اوج، نادرپور، ۱۳۹۲، ۵۲۶)  
نمونه ۸) ... دیروز من برهنه  
رفتم میان چشمه نشستم،  
اکنون  
هر برگ این درخت  
تصویری از من است. (نام، محمود کیانوش)

گاهی از آب به عنوان شوینده چهره طبیعت یاد شده است (نمونه ۹) و گاه شاعر کوشیده است در نقش ناصح و کنش‌گری دلسوز برای محیط‌زیست مردم را از آلوده‌ساختن این موهبت بزرگ برحذر دارد (نمونه‌های ۱۰ و ۱۱).

نمونه ۹) باران، و باز، باران

باران.

شوینده قدیمی سنگ و درخت و شعر.

اشک مدام بدرقه روح مازیا. (مازندران، یدالله مفتون امینی)

نمونه ۱۰) آب را گل نکنیم:

در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب.

یا که در بیشه دور، سیره‌ای پر می‌شوید.

یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد.

آب را گل نکنیم:

شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، تافروشوید

اندوه دلی.

دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب.

زن زیبایی آمد لب رود،

آب را گل نکنیم

روی زیبا دو برابر شده است.

چه گوارا این آب!

چه زلال این رود! (آب، سپهری، ۱۳۸۹، ۳۰۲)

نمونه ۱۱) قطره آبی پاک، دور می‌شوم از عالم خاک،

از دشت، و صد افسوس از رود

و خود آواره دهر، به کجا خواهم رفت؟

تن خود را به کدامین آب پالوده کنم؟

بحر زیبای عمان یا زلال دل دریای شمال، ای دریغ ...

بوی آلوده‌شدن می‌آید!

رودهای پرآب و شاداب، همه در چنگ و کمند هرزاب

نه که در بستر پاکند جاری. بلکه در بستر بیماری!!

به کجا خواهم رفت؟ قطره آبی پاک.

به زلال دل آن کودک بی‌تاب کویر. و دل مادر پیر

که به یک قطره آب. می‌شود چشم به راه!

صحبتی نیست ز گل کردن آب یا که پژومردن آب.

حادثه تلخ‌تر است!!

صحبت مردن آب!

صحبت از مردن آب است و سراب.

رودها بیمارند یا که در بستر بیماری خفتند!!

ارس و اترک و کارون بزرگ

مند و جراحی و اروند سترگ

دور از پاکی و آلوده چه زود. از فراز آمده‌اند. جمله فرود  
به کجا خواهیم رفت؟  
جای من نیست در این عالم خاک. چاره‌ای باید کرد  
به میان صدفی خواهیم شد.  
در دل پاک صدف خواهیم خفت.  
و به خود خواهیم گفت: صبح بیداری من، خلقت مروارید است. (قطره بارانم، احمد رضا عیسایی)  
گاهی شاعر به عنوان نظاره‌گر تغییر رژیم‌های هیدرولوژیکی به سبب اهداف توسعه‌طلبانه صرفاً اقتصادی و به تبع آن  
تخریب محیط زیست، نمی‌تواند سکوت کند و ناراحتی خود را به دلیل نابودی طبیعت را این‌گونه ابراز  
می‌کنند(نمونه ۱۲).

نمونه ۱۲) ... گفتند: «نهر دره دیزاشکن را  
از چشمه، سوی باغ دکل‌های نقت  
کج کرده‌اند  
و جاده‌های قافله‌رو را  
کوبیده‌اند زیر سم اسب‌های سرب  
و کبک‌های چابک خوش بانگ را  
به دره‌های غربت پرواز داده‌اند.»  
... (باغ‌های دیگر، آتشی، ۱۳۹۴، ۱۵۲)

در سال‌های اخیر به دلیل سوء مدیریت و برنامه‌ریزی پدیده‌های کم‌آبی و خشک‌سالی در کشور به طور فزاینده‌ای  
گسترش یافت، این بحران‌ها نیز در آثار هنرمندان شاعر انعکاس یافتند(نمونه‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۵). شاعران گاهی با  
نگاهی مقایسه‌ای و با رجوع به حافظه‌ی تاریخی خود، خبر از عقب‌نشینی طبیعت در دهه‌های اخیر می‌دهند(نمونه ۱۶).  
هم‌چنین با شدید شدن این بحران‌ها در برخی نقاط کشور و خشک‌شدن رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها و دیگر  
عرصه‌های آبی کشور؛ هنرمندان سعی در انعکاس این فاجعه و گزارش تبعات جبران‌ناپذیرش در آثارشان  
داشتند(نمونه‌های ۱۷ و ۱۸).

نمونه ۱۳) زمین، ترجم باران را  
در چشمه‌های کوچک، از یاد برده است (مرثیه ای برای بیابان و برای شهر، نادر نادرپور) (نادرپور، ۱۳۹۲، ۴۷۴)  
نمونه ۱۴) آری منم که در عطش آب سوختم  
وین دشت پر ز غلغل پنهان چشمه‌هاست  
چشم انتظار ابرم و باران، ولی دریغ  
ابری اگر به من گذرد اسب بادپاست  
آخر دلم ز آبی این آسمان گرفت  
ابر سیاه و گوهر باران او کجاست؟ (شب‌های دشت، کسرائی، ۱۳۸۷، ۲۰۷)  
نمونه ۱۵) حیاط خانه ما تنه‌است.  
حیاط خانه ما  
در انتظار یک ابر ناشناس  
خمیازه می‌کشد  
و حوض خانه ما خالی ست. (دلیم برای باغچه می‌سوزد، فرخ‌زاد، ۱۳۹۸، ۲۸۰)  
نمونه ۱۶) ...وقتی که من بچه بودم،

آب و زمین و هوا بیشتر بود:  
... (وقتی من بیچه بودم، اسماعیل خوئی) (رهنما، ۱۳۹۳، غزلواره ۴۳۲/۲)  
نمونه ۱۷) می بینم دریا کوچک می شود  
کوچک تر می شود  
چندان که در کف من می گنجد  
و من  
صدای ماهیان پرنده را می شنوم  
سرفه ملاحان مرده، نهنگان شعله ور  
پریان سرمازده، اسبان و باد  
پیچک های سفید دریا  
غرقه های غریبی که صدای انسانیشان را از یاد برده اند  
می بینم  
دریا  
کوچک می شود  
کوچک تر می شود  
کوبش نومیدانه پاروها  
زورق های کف آلود  
سایه های یخ زده  
دکان های نمکسود  
نومیدان پریشانی که بر کرانه دریاها بازمانده اند... (می بینم دریا کوچک می شود، لنگرودی، ۱۳۹۵، ۲۵۷)  
نمونه ۱۸) بر لب دریاچه های شور  
سواران می ایستند  
... بر نطفه های ساقط دریاچه  
آوار می شوند  
... (زائران جستجو، شاپور جورکش)  
گاهی نیز هنرمندان شاعر سعی در تبیین دغدغه آب، به عنوان دغدغه ای حیاتی برای بقای بشر و تمدن های بشری  
خصوصاً در پهنه های کشورمان داشته اند و از مردم می خواهند تا حفاظت از سرمایه ملی را به عنوان یک اولویت در  
زندگی شان قرار دهند (نمونه های ۱۹، ۲۰ و ۲۱).  
نمونه ۱۹) من اگر زبانم آتش،  
من اگر ترانه هایم  
همه شعله های سرکش،  
چه کنم که یک دل است و همه داغ های سوزان:  
غم خستگان عشق و غم کشتگان نفرت،  
غم آب های هرز و غم باغ های سوزان.  
... (چه کنم، محمود کیانوش)  
نمونه ۲۰) ... روزی که مشق آب عمومی است  
دریا و آفتاب

در انحصار چشم کسی نیست  
روزی که آسمان  
در حسرت ستاره نباشد... (روز ناگزیر، امین پور، ۱۳۹۷)  
نمونه ۲۱) مردم بالادست، چه صفائی دارند!  
چشمه‌هاشان جوشان، گاوهاشان شیرافشان باد!  
من ندیدم دهشان،  
بی‌گمان پای چپرهاشان جاپای خداست.  
ماهتاب آنجا، می‌کند روشن پهنای کلام.  
بی‌گمان در ده بالادست، چینه‌ها کوتاه است.  
مردمش می‌دانند، که شقایق چه گلی است.  
بی‌گمان آنجا آبی، آبی است.  
غنچه‌ای می‌شکفتد، اهل ده باخبرند.  
چه دهی باشد!  
کوچه باغش پر موسیقی باد!  
مردمان سررود، آب را می‌فهمند.  
گل نکردندش، ما نیز  
آب را گل نکنیم. (آب، سپهری، ۱۳۸۹، ۳۰۲)

### ۳- نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، انسان و طبیعت در ارتباطی تنگاتنگ بوده‌اند و همواره از هم تأثیر پذیرفته‌اند. انسان معاصر پس از انقلاب صنعتی به طور گسترده و با نگاهی انسان محور، بدون توجه به اصول و ملاحظات توسعه پایدار ردپای اکولوژیک خود را بزرگتر کرد و با مصرف‌گرایی محیط‌زیست را تخریب کرد. یکی از آثار این رفتارهای بشری در سال‌های اخیر خشک شدن بسیاری از رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها و به تبع آن انقراض گسترده ده‌ها گونه جانوری و گیاهی بود. درد متعالی شاعران باعث شد تا در ادبیات منظوم معاصر تلاشی هدفمند در جهت تصویرسازی، زیبایی آفرینی و مضمون آفرینی در راستای تقویت اصول اخلاق محیط‌زیستی در مخاطبان شکل پذیرد.

در مقاله حاضر پس از بازتعریف اجمالی "هنر محیط‌زیستی"، ادبیات به عنوان شاخه مهمی از آن تبیین شد. در راستای فهم دقیق‌تر علل توجه و کنش هنرمند معاصر به پدیده آب، ابتدا فرهنگ ایرانی-اسلامی در هردو بعد تاثیرگذار کهن‌الگوهای ملی و اندیشه‌های دینی بررسی و سپس نگاه ادبیات منظوم کلاسیک به پدیده آب به عنوان مقدمه تحصیل رویکرد معاصر تشریح گردید. در ادامه پس از مرور آثار هنرمندان معاصر، بیست و یک نمونه اثر شاخص از هنرمندان معاصر انتخاب، معرفی و بررسی شد. در بعضی آثار توجه هنرمندان صرفاً معطوف به ابعاد زیباشناسانه وجودی «بارش باران» و «جریان آب در چشمه‌ساران و رودها» (نگاه صرفاً زیبایی شناسانه به این پدیده‌ها) بود، در برخی آثار به کاربرد آب برای بقای حیات وحش اشاره شده بود، در بعضی آثار از آب به عنوان نماد حیات یادشده بود و در بعضی دیگر از آثار با رویکردی تجربه‌محور، هنرمند سعی در بازتجربه و انعکاس احساساتش از مکاشفه آب به عنوان تجربه طبیعت داشت. گاهی از آب به عنوان شوینده چهره طبیعت یاد شده‌است و گاه شاعر کوشیده است در نقش کنش‌گری دلسوز براساس رسالت انسانی و هنری خویش، مردم را از آلوده‌ساختن این موهبت بزرگ برحذر دارد. گاه شاعر به عنوان نظاره‌گر تغییر مسیر رودخانه‌ها و... به سبب اهداف توسعه‌طلبانه صرفاً اقتصادی و به تبع آن تخریب محیط زیست، سکوت و انزوا را می‌شکند و ناراحتی خود را از تخریب محیط‌زیست ابراز می‌کند. هم‌چنین انعکاس و



نمود بحران های کم آبی و خشک سالی را می توان در بعضی آثار مشاهده کرد. گاه شاعر با نگاهی مقایسه ای و با رجوع به حافظه ی تاریخی خود، خبر از عقب نشینی طبیعت در دهه های اخیر می دهد؛ دل نگران از این که فراموشی محیط زیستی رخ دهد و چهره طبیعت تخریب شده در ذهن نسل های بعدی به عنوان طبیعت بکر تجسم گردد، برای طبیعت غمناکه می سراید. گاه هنرمندان در غم خشک شدن رودخانه ها، دریاچه ها، تالاب ها و دیگر عرصه های آبی کشور اشعاری سراییده است تا از عمق فاجعه سخن بگویند و به تبعات جبران ناپذیرش اشاره کنند. گاه نیز سعی در تبیین دغدغه آب، به عنوان دغدغه ای حیاتی برای بقای بشر و تمدن های بشری خصوصاً در کشورمان داشته اند و از مردم می خواهند تا حفاظت از این سرمایه ملی را به عنوان یک اولویت بیاموزند. این اشعار به عنوان اسنادی که در حافظه تاریخی ادبی ملت ایران ماندگار می مانند، تجربیاتی مهم هستند که باید نسل های آینده را هوشیار سازند و از این تکرار اشتباهات برحذر دارند. بهره برداری آموزشی و ترویجی از این آثار هنری محیط زیستی می تواند در جهت آگاه سازی مردم و مسئولین و هم چنین افزایش حساسیت افکار عمومی نسبت به مسئله آب بسیار کارآمد باشد. به عقیده کارشناسان تعلیم و تربیت و محیط زیست، آموزش و فرهنگ پروری غیرمستقیم در دراز مدت در کنار سایر راه حل های کوتاه مدت و میان مدت راه گشا است و اگر مردم در سراسر جهان با زبان مشترک هنر با مسائل محیط زیستی و پیامدهای آن آشنا شوند، بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

## منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- کتاب مقدس عهد عتیق
- ۳- آتشی، منوچهر. (۱۳۹۴). *جلد اول مجموعه اشعار منوچهر آتشی/ آواز خاک*. موسسه انتشارات نگاه.
- ۴- امین پور، قیصر. (۱۳۹۷). *مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور*. انتشارات مروارید.
- ۵- بارانی، محمد، خانی سومار، احسان. (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند. فصلنامه مطالعات شبه قاره*. (۱۷). ۷-۲۶.
- ۶- بوتکین، دنیل، کلر، ادوارد. (۱۳۹۴). *شناخت محیط زیست، زمین سیاره زنده*. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۷- پارسا پور. (۱۳۹۰). *نمادهای عرفانی «آب» و «عطش» در واقعه عاشورا. ادبیات عرفانی*. (۴) ۳. صص ۲-۷.
- ۸- حر عاملی. (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. آل البیت لإحیاء التراث قم.
- ۹- دزفولیان، کاظم، رشیدی، محمد. (۱۳۹۲). *نگاه مولانا به طبیعت در غزلیات شمس تبریزی. کهن نامه ادب پارسی*. (۳) ۴. ۶۳-۸۳.
- ۱۰- رسولی، محمد بهنام، سمیعی، محمدجواد، زینلی، مهدی. (۱۳۹۷). *راهنمای برنامه ریزی برای افزایش سواد آبی و محیط زیستی*. انتشارات شایسته گستر.
- ۱۱- رهنما، تورج. (۱۳۹۳). *شعر، رهایی است «نمونه هایی از شعر امروز ایران»*. تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۲- ریسمانچیان امید، حیدری مهتا. (۱۳۸۵). *آب، نماد، کویر. همایش منطقه ای معماری کویر*. (۱). صص ۱-۱۰.

- ۱۳- زینه، عرفت پور، محسنی، حمیده سادات. (۱۳۹۶). «تصویرپردازی هنری آب به مثابه منشا حیات و رزق و روزی در قرآن کریم»، (۲)، صص ۸۳-۱۱۳.
- ۱۴- ساتن، فیلیپ دیلیو. (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست. صالحی، صادق. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت).
- ۱۵- سپهری، سهراب. (۱۳۸۹). هشت کتاب. تهران: انتشارات مهرآمین.
- ۱۶- ظفرزاد، فاطمه. (۱۳۹۱). توسعه پایدار و مدیریت آب، پیامدهای ناسازگار الگوی توسعه نابومی در بخش آب با سده سازی. انتشارات جهاددانشگاهی مشهد.
- ۱۷- علاء الدین علی بن حسام الدین. (۱۴۰۱ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*. مؤسسه الرساله.
- ۱۸- فرخزاد، فروغ؛ حقوقی، محمد. (۱۳۹۸). *فروغ فرخزاد (شعر زمان ما ۴)*. تهران: انتشارات نگاه.
- ۱۹- قهرمانی رنا. (۱۳۸۸). «رویکردی به عنصر آب در اساطیر و فرهنگ اقوام مختلف». *دوفصلنامه هنرهای تجسمی نقش‌مایه*. ۲(۳)، صص ۳۵-۴۴.
- ۲۰- کرمی، غلام‌حسین. (۱۳۹۴). «تحلیلی بر نقش هنر- رسانه پویانمایی در آموزش حفاظت محیط زیست». *مطالعات رسانه‌ای*. (۲۸). ۱۰، صص ۹۵-۱۱۰.
- ۲۱- کریشنارائو، بی‌نینتی. (۱۳۹۴). *توسعه پایدار، اقتصاد و سازوکارها*، ترجمه احمدرضا یآوری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- کسرابی، سیاوش. (۱۳۸۷). *مجموعه اشعار سیاوش کسرابی*، تهران: انتشارات نگاه.
- ۲۳- کلاهی، محمدباقر، فردوسی، رضا. (۱۳۷۳). *از نوتازه شویم*. تهران: نشر نیکا.
- ۲۴- لنگرودی، شمس. (۱۳۹۵). *مجموعه اشعار شمس لنگرودی/ جشن ناپیدا*. تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- ۲۵- محمدی، زهره، یزدان پناه، مسعود. (۱۳۹۴). آب و اهمیت حفاظت از آن از دیدگاه قرآن کریم. همایش ملی رهیافت های علوم کشاورزی در پرتو قرآن.
- ۲۶- مشیری، فریدون. (۱۳۹۶). *گزیده اشعار فریدون مشیری*، ریشه در خاک. تهران: انتشارات مروارید.
- ۲۷- ملکبان، منصوره، همای، محمودرضا. (۱۳۹۱). *مبانی زیست‌شناسی حفاظت*. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۲۸- میلر، جورج تایلر. (۱۳۹۲). *زیستن در محیط‌زیست*. ترجمه مجید مخدوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۹- نادرپور، نادر. (۱۳۹۲). *مجموعه اشعار نادر نادرپور*. تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- ۳۰- نامی، غلام‌حسین. (۱۳۹۶). *مبانی هنرهای تجسمی، ارتباطات بصری*. انتشارات توس.
- ۳۱- ویسی الخاص. (۱۳۸۵). «ریشه شناسی واژه های آب و آتش و باد در فرهنگ و ادبیات ایرانیان از دیدگاه زبان‌شناسی زیست محیطی» صص ۷۰-۸۰.
- ۳۲- هنفلینگ، اسوالد. (۱۳۹۷). *چیستی هنر*. رامین، علی. تهران: انتشارات هرمس.

- ۳۳- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۳۴- ----- (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی. تهران: انتشارات سروش.
- ۳۵- ----- (۱۳۷۲). «دلم برای باغچه می‌سوزد». کتاب پاز. ۱۰. ۵-۸.
- ۳۶- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۶). انسان و سمبول‌هایش. سلطانیه، محمود. تهران: انتشارات جامی.
- ۳۷- یزدان منش، وفا، گیلانی، سمیرا. (۱۳۹۷). بررسی رویکرد آیات قرآن و عرفان در اشعار مجیدامجد و سهراب سپهری. پژوهش ادبیات معاصر جهان. ۲۳(۱)، صص ۲۵۵-۲۷۳.

38-Kagan, S. (2014). The practice of ecological art. Plastic—art and science, 4, 2101-0323.

39-Simon, S. (2006). Systemic educational approaches to environmental issues: the contribution of ecological art. Systemic Practice and Action Research, 19(2), 143-157.

40-Song, Y. I. K. (2009). Community participatory ecological art and education. International Journal of Art & Design Education, 28(1), 4-13.

41-Kagan, S. (2014). The practice of ecological art. Plastic—art and science, 4, 2101-0323.